

## تحلیل رابطه ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی و تعاملات همسایگی، مورد مطالعاتی: رابطه الگوی مسکن و تعاملات چهره به چهره در محلات سمیه، باجک و فرهنگیان در شهر قم

احمد خلیفه شوشتری<sup>۱</sup> - محمدمنان رئیسی<sup>۲\*</sup>

۱. کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران.  
۲. دانشیار گروه مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

### چکیده

مفهوم همسایگی در محله از دیرباز یکی از اساسی‌ترین مفاهیم مطرح در معماری و شهرسازی به ویژه معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی بوده است. مسئله‌ای که شاکله اصلی این پژوهش را تشکیل داده است افت کیفی روابط همسایگی در محلات شهرهای معاصر ایران است؛ بر همین اساس، در این مقاله سعی شده است به این سوال اصلی پرداخته شود که آیا ارتباط منطقی بین ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی و روابط همسایگی وجود دارد؟ گونه این تحقیق از نوع همبستگی است به طوری که ساختار کالبدی بافت مسکونی (به لحاظ الگوی ویلایی یا آپارتمانی) به عنوان متغیر مستقل منظور شده است و تعاملات اجتماعی و به طور خاص، روابط چهره به چهره بین همسایگان نیز به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. جمع‌آوری اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (با استفاده از پرسش‌نامه) انجام شده است. پرسش‌نامه‌ها، میان ۳۰۰ واحد مسکونی از مجموع ۵۸۱ واحد مسکونی در چهار منطقه مسکونی شهر قم توزیع شده است که دو مورد از آن‌ها دارای بافت ویلایی و دو مورد دیگر دارای بافت آپارتمانی هستند. لازم به ذکر است که در انتخاب نمونه‌ها سعی شده است حتی المقدور، به جز متغیر ساختار کالبدی به عنوان متغیر مستقل، سایر متغیرهای ثانویه‌ای که بر روی متغیر وابسته یعنی تعاملات چهره به چهره تاثیر دارند کنترل گردد (نظیر وضعیت مالی افراد و یا مدت سکونت آن‌ها در محله). طبق یافته‌های حاصل از این پژوهش، میان ساختار کالبدی بافت مسکونی در چهار بافت مسکونی شهر قم و تعاملات اجتماعی و به طور خاص، روابط چهره به چهره همسایگان، رابطه معناداری وجود دارد به نحوی که تعاملات چهره به چهره در محلات ویلایی در مقایسه با محلات آپارتمانی به مراتب بیش‌تر است.

**واژگان کلیدی:** روابط همسایگی، محلات ویلایی، مجتمع‌های آپارتمانی، تعاملات چهره به چهره.

## ۱. مقدمه

برای مفهوم محله می‌توان تعاریف مختلفی ارائه داد نظیر یک واحد از جغرافیای شهری و یا گروهی از مردم که در یک محیط مشخص و آشنا زندگی می‌کنند (ذوالفقار زاده، جعفری‌ها، و زنده دل ۱۳۹۸، ۳۶). مفهوم محله، یکی از مفاهیم اساسی در معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی است که تاکنون در پژوهش‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است (رئیزی و محمدعلی نژاد ۱۴۰۰، ۱۰۹-۱۲۱؛ موقر، رنجبر، و پور جعفر ۱۳۹۴، ۳۵-۵۶). محیط محله و واحد همسایگی یکی از عوامل مهم موثر بر شکل‌گیری شخصیت انسان است چراکه در آن جا رشد می‌کند و با دیگران در تعامل است. در تعلیمات اسلامی به صورت مبسوطی به این مسئله پرداخته شده و اسلام در موارد زیادی به همسایه و آداب همسایه‌داری سفارش کرده است (شهیدی ۱۳۹۲، ۱۵۲؛ ابن شعبه ۱۳۹۵، ۴۰۵). این موضوع در مورد اندیشمندان غربی نیز صادق است و آن‌ها هم به اهمیت واحدهای همسایگی و محیط فیزیکی محله پی برده‌اند به طوری که بسیاری از اندیشمندان و معماران مطرح غربی نظریاتی در باب واحد همسایگی و ویژگی‌های کالبدی محلات مطلوب ارائه کرده‌اند (اوستروفسکی ۱۳۷۱، ۷۵). برای مثال، طرح کلارنس پری که توسط استاین و هنری رایت در محله رادبرن به اجرا درآمد از مشهورترین نمونه‌هایی است که اندیشمندان غربی پیرامون محله و واحد همسایگی اجرا کرده‌اند (اقالطیفی و عینی‌فر ۱۳۹۰، ۲۱). هدف از ساخت این محله ایجاد اجتماعی محلی در محدوده‌ی کالبدی مشخصی بوده است (لنگ ۱۳۸۱، ۱۹۶). به عبارتی سعی شده است که با کمک طراحی فیزیکی و کالبدی فضای محله به ایجاد اجتماع محلی در محله کمک کند.

در محلات سنتی ایران یکپارچگی اجتماعی قوی بین ساکنین که دارای ارزش‌های مشترک بودند ایجاد می‌شده که باعث تقویت روابط همسایگی و حس تعاون بین همسایگان می‌شده است و محله به عنوان کالبد مناسب برای گروه‌های اجتماعی مختلف با خاستگاه‌های متفاوت بود (نقه الاسلامی و امین زاده ۱۳۹۰، ۴۱). که البته به واسطه ورود اتومبیل و تغییرات به وجود آمده در دوره‌ی پهلوی اول، ساختار محلات دچار تغییر و دگرگونی شد که این امر ارتباط بین ساکنین محله را تضعیف کرد و تغییر در بافت محلات سبب تغییر در ارتباطات و تعاملات گردید. امروزه در محلات جدید ایران فضاهای عمومی مشترک تقریباً از بین رفته و فقدان حس مکان و هم‌چنین کاهش تعاملات اجتماعی از آثار آن است (Farkish 2020, 111). با توجه به تأثیر قابل توجه محیط کالبدی بر رفتار و ادراک انسان که در متغیرهای مختلفی نظیر حس مکان و غیره بروز می‌یابد (محمدمرادی و دیگران ۱۳۹۸، ۱۷۳-۱۹۲) و با توجه به ادبیاتی که تاکنون پیرامون موضوع روابط همسایگی شکل گرفته است چنین به نظر می‌رسد

که کم و کیف ساختار کالبدی محله، ارتباط معناداری با روابط میان همسایگان در آن محله دارد و این پژوهش نیز در برش زمانی معاصر و برش مکانی شهر قم، در صدد پرداختن به همین فرضیه است.

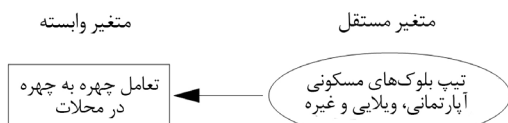
پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی در محله‌ها و واحدهای همسایگی، بر ایجاد هویت مکان تأثیرگذار است (Bernardo, Manuel, and Oliveria 2016, 249). از نظر بسیاری از کارشناسان روابط و تعاملات اجتماعی می‌تواند جزء عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی باشد. مواردی نظیر خاطرات جمعی (ابراهیمی مجرد و مظفر ۱۴۰۱، ۱۱)، ارتباطات و تعاملات اجتماعی بین ساکنین طبق نظر برخی کارشناسان در شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی تأثیرگذار است. از مولفه‌های بسیار مهم در مباحث برنامه‌ریزی و مدیریت شهری توسعه پایدار شهرها است که سلول بنیادی این امر محلات است و توسعه پایدار محلات لازمه توسعه پایدار شهر می‌باشد. یکی از فاکتورهای مهم در توسعه پایدار محلات نیز مربوط به بعد فرهنگی و اجتماعی و تعاملات بین ساکنین یک محله است (صرافی و قناد ۱۳۹۸، ۸۸).

تعاملات اجتماعی در محلات سبب کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی شود (سرعلی و پوردیهمی ۱۳۹۵، ۱۱) و بر بسیاری از دیگر مولفه‌های سلامت شهری نیز موثر باشد. برای مثال، تحقیقات صورت گرفته در کالیفرنیا نشان می‌دهد که در یک نمونه، ۱۰ درصد از همسایگانی که تعاملات اجتماعی قوی با یکدیگر داشتند فوت کردند در حالی که در همان نمونه با همان شرایط مشابه، ۳۱ درصد از افرادی که روابط اجتماعی ضعیفی داشتند فوت کرده‌اند (گلی زواره ۱۳۸۹، ۳۱). تأکید بر این مهم در آموزه‌های اسلامی نیز به وفور مشاهده می‌شود؛ در احادیثی از رسول اکرم چنین نقل شده است که "با همسایگان خوش رفتار باش تا در زمره‌ی مسلمانان قرار گیری" (انصاری قمی ۱۳۹۱، ۱۴) و یا "از حقوق همسایه آن است که اگر بیمار شد عیادتش کنی... و در شادمانی بر او تبریک و تهنیت بگویی" (انصاری قمی ۱۳۹۱، ۲۹۱).

تاکنون موضوع رابطه ساختار کالبدی و روابط همسایگی، در پژوهش‌ها و تحقیقات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است؛ به طور مثال در پژوهشی به این موضوع اشاره شده است که در بلوک‌های مسکونی متقابل که خانه‌ها در طول خیابان با ورودی‌های مجزا قرار می‌گیرند روابط اجتماعی قابل توجهی بین ساکنین شکل می‌گیرد و یا مردم ساکن در خیابان‌های بن‌بست و با دور برگردان نسبت به مردمی که در جوار خیابان‌های عبوری زندگی می‌کنند همدیگر را بهتر می‌شناسند (لنگ ۱۳۸۱، ۱۸۴). برخی تحقیقات در مورد تعاملات بین همسایگان در فضاهای اجتماعی که به همین منظور طراحی شده‌اند نشان می‌دهد که شهروندانی که در این گونه فضاها در تعاملات اجتماعی شرکت می‌کنند تنها بخشی از جمعیت ساکن در محله

امکان آشنایی اولیه افراد با یکدیگر فراهم می‌آید که این امر مستلزم وجود قرارگاه‌های رفتاری مشترک است (سرعلی و پوردیهمی ۱۳۹۵، ۱۶). در همین مرحله است که روابط چهره به چهره سبب پیوند جدی انسان به مکان می‌شود و می‌تواند موجب شود که انسان دارای حس تعلق به فضا شود (لنگ ۱۳۸۱، ۱۷۹). در نتیجه می‌توان گفت که از ویژگی‌های یک محله‌ی مطلوب ترغیب و ایجاد شرایط تعاملات اجتماعی و روابط چهره به چهره برای ساکنین آن محله می‌باشد و هدف این پژوهش نیز اندازه‌گیری این ویژگی در دو نوع الگوی محله‌ی ویلایی و آپارتمانی است.

### شکل ۱: متغیر مستقل و وابسته پژوهش



در محله‌های سنتی ایران می‌توان روابط چهره به چهره و تعاملات اجتماعی را به وفور مشاهده کرد که عواملی نظیر بافت جمعیتی محلات یا عدم وجود ارتباطات مجازی بر این موضوع موثر بوده است ولی از عوامل مهم دیگر، کالبد محلات بوده که امکان این تعاملات چهره به چهره را ارتقا می‌دهد است. مثلاً محلات قدیم دارای یک ارسن یا مرکزیت بودند و مرکز محله به عنوان قلب محله، بیش‌ترین تعاملات و تجمع‌های افراد محله را حول خود شکل می‌دهد است. این ارسن در محلات سنتی ایران شامل مسجد، بازار، حمام و غیره بوده است و در این مکان‌ها احتمال مواجهه و تعامل همسایگان بیش‌تر می‌شده است. با توجه به توضیحات فوق، در این پژوهش همان‌طور که اشاره شد سعی شده است که تاثیر یکی از ویژگی‌های کالبدی محله - یعنی ویلایی یا آپارتمانی بودن بافت مسکونی محله - بر فاکتور تعاملات چهره به چهره مورد بررسی قرار گیرد.

### ۳. روش تحقیق

همان‌طور که در بخش چکیده اشاره شد هدف از این پژوهش، یافتن رابطه بین کالبد یا فرم محله (به طور خاص، فرم بافت‌های مسکونی) و میزان تعاملات اجتماعی چهره به چهره در محله است. این تحقیق از نوع همبستگی است که در آن سعی می‌شود رابطه‌ی بین دو یا چند متغیر کشف شود به نحوی که متغیرها تحت کنترل محقق نبوده و یا محقق به دلایل اخلاقی قادر به کنترل آن‌ها نمی‌باشد (گروت و وانگ ۱۳۹۲، ۲۲۴). هم‌چنین می‌توان گفت در تحقیق همبستگی اندازه‌گیری و سنجش رابطه‌ی بین دو متغیر اهمیت بیش‌تری نسبت به تحلیل و تفسیر آن دارد و هدف، سنجش ارتباط بین متغیر مستقل و متغیر وابسته است، که همین امر، این نوع تحقیق را از تحقیق

می‌باشند و بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی در مکان‌های دیگر انجام می‌شود. از جمله این مکان‌ها می‌توان به تراس‌ها یا بالکن‌های مشرف به معابر، پله‌های ورودی ساختمان و غیره اشاره کرد زیرا این فضاها ساکنان را قادر می‌سازد در حالی که با عابران و یا دیگر افراد محله ارتباط برقرار می‌کنند از حریم ایجادشده برای خویش لذت ببرند و احساس ایمنی و آسایش شخصی داشته باشند (Fergusen and Fergusen 2016, 196).

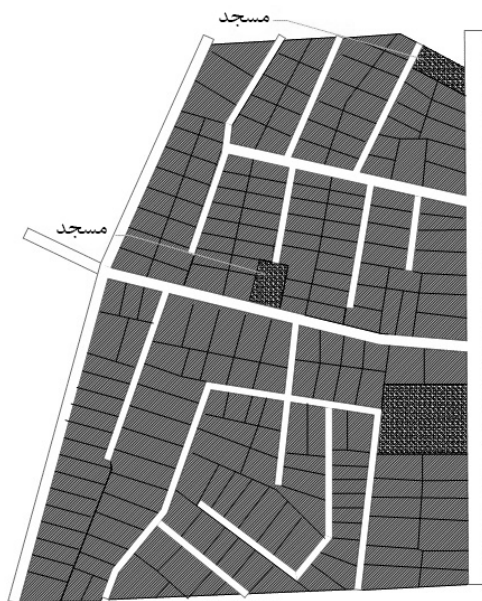
به‌رغم توضیحات فوق، تاکنون پژوهشی در خصوص ارتباط تعاملات همسایگی با ساختار کالبدی محله و مقایسه تطبیقی این نوع تعاملات در دو نوع ساختار کالبدی محلات ویلایی و آپارتمانی در شرایط فرهنگی ایران انجام نشده است و این پژوهش در صدد پرداختن به همین خلأ می‌باشد.

### ۲. چارچوب مفهومی

تاکنون پژوهش‌های متعددی پیرامون رابطه میان معماری و شهرسازی از یک سو و روابط و تعاملات اجتماعی از سوی دیگر انجام شده است (Mendes and Cabral 2017, Williams, 2005 4) که طبق یافته‌های حاصل از اغلب این پژوهش‌ها، هر مکان برای نیاز و هنجارهای خاص و مشخصی تنظیم شده است (لاسون ۱۳۹۴، ۱۱) زیرا ساختار معماری مکان، مستقل از سبک زندگی کاربران و ساختار اجتماعی نیست (Aydin and Siramkaya 2014, 267). محله به عنوان مجموعه‌ای متشکل از واحدهای همسایگی، فضا و یا قرارگاهی رفتاری است که این قرارگاه بایستی بتواند ظرف مناسبی برای دادن فرهنگ‌ها و آداب و رسوم و رفتار و روش‌های زندگی ساکنانش باشد (حمزه نژاد و صمیمی فر ۱۳۹۱، ۱۲۹). به بیان دیگر، واحد همسایگی، ظرف یا کالبد مشخص برای بروز رفتارها و تعاملات همسایگی است که به عنوان مظهر آن ظرف می‌باشد. بر همین اساس، هدف بسیاری از نظریه‌پردازان معماری و شهرسازی، منطبق بر ساختن رفتار شهروندان بر کالبد محله است (لنگ ۱۳۸۱، ۱۹۶). از مهم‌ترین عوامل مطرح در تعاملات اجتماعی مطلوب میان همسایگان، تعامل چهره به چهره آن‌ها است. عموماً شروع یک رابطه سالم و بر اساس تعاون در یک واحد همسایگی، از تعاملات چهره به چهره آغاز می‌شود. در مدل لوینگرواسنوک در یک فرایند سه مرحله‌ای از صفر به سه، اولین مرحله (مرحله‌ی لازم و نه کافی) برای ملاقات دو سوپه و عمیق، وجود تعاملات چهره به چهره است؛ وی توضیح می‌دهد که مرحله صفر مرحله‌ای است که افراد از وجود هم‌بی‌اطلاع هستند، در مرحله یک اولین برخوردها رخ می‌دهد و هر یک از طرفین، برداشت خود را از طرف مقابل شکل می‌دهد اما هنوز ارتباط عمیقی شکل نگرفته است. یعنی با حضور اشخاص در قرارگاه رفتاری مشترک یا همان واحد همسایگی و روبه‌رو شدن و تماس چشمی،

محلات در نوع خود هستند و ساکنین آن مدت زمان زیادی را در محله ساکن بوده‌اند. هم‌چنین بر خلاف عمده محلات قم که جمعیت آن اکثراً شامل مهاجرین از شهرهای اطراف و قومیت‌های مختلف می‌باشند، این محلات تقریباً دارای بافت اجتماعی همگنی می‌باشند و اکثراً ساکنین آن از مردم اصیل و قدیمی قم می‌باشند. ثانیاً هر چهار محله انتخاب‌شده در مناطق نسبتاً مرغوب و گران‌قیمت قرار دارند و وضعیت اقتصادی عمده ساکنین آن نیز جزء طبقات اجتماعی متوسط به بالا می‌باشند و می‌توان گفت که وضعیت مالی نسبتاً خوبی دارند و این ویژگی در هر چهار محله انتخاب‌شده تا حدود زیادی وجود دارد. در مورد محدوده‌ی محلات نیز، در خصوص محلات آپارتمانی، محدوده‌ی آن‌ها کاملاً واضح می‌باشد و می‌توان فضاها و محدوده‌ی کالبدی آن‌ها را کاملاً مشخص نمود. در مورد محلات ویلایی نیز به علت بزرگ بودن منطقه سعی شده است جهت همسان‌سازی مقیاس کالبدی با نمونه‌های آپارتمانی، محدوده‌ی محله با خیابان‌های اصلی که منطقه را قطع می‌کنند مشخص شده است. در ادامه و قبل از تبیین یافته‌های تحقیق، این چهار نمونه معرفی می‌گردند.

شکل ۲: محله خیابان سمیه و نقاط مهم آن



#### ۴-۱-۱- محله خیابان سمیه

خیابان سمیه یکی از قدیمی‌ترین خیابان‌های شهر قم است و بیش‌تر خانه‌های آن ویلایی می‌باشد. بیش‌تر ساکنین آن از اهالی قدیمی شهر قم می‌باشند و مجموعاً در نگاهی کلی، محله دارای قشر مذهبی است. ساختار این محله به صورت خوشه‌ای می‌باشد؛ سازمان‌بندی خوشه‌ای نوعی از سازمان‌بندی است که فضای گروه‌بندی شده بر اساس مجاورت یا سهیم بودن

کیفی متمایز می‌کند. در این مقاله، متغیر وابسته روابط همسایگی و به طور خاص، روابط چهره به چهره در یک محله می‌باشد که در مقدمه مقاله به تبیین اهمیت آن پرداخته شد. بر همین اساس، پرسش‌نامه‌هایی طراحی گردید و سعی شد که رابطه بین الگوی کالبدی بافت مسکونی محلات و تعاملات چهره به چهره سنجش شود. این پرسش‌نامه‌ها در چهار محله یا مجتمع مسکونی با مقیاس محله توزیع شد. پرسش‌نامه‌ها به صورت بسته و پنج‌گزینه‌ای از گزینه‌ی خیلی کم تا بسیار زیاد ارائه شده است که طبق چارچوب تحقیق، سوالات آن بر اساس اندازه‌گیری تعاملات اجتماعی و روابط چهره به چهره طراحی شده است. به عبارت دیگر، سوالات مربوط به میزان شناخت از همسایه و میزان تعاملات بین آن‌ها می‌باشد که بعد از پاسخ، نتایج پرسش‌نامه‌ها با نرم‌افزار SPSS تحلیل گردیده است.

متغیر مستقل این پژوهش نیز همان‌طور که قبلاً اشاره شد الگوی کالبدی محلات و مجتمع‌های مسکونی است که منظور، نوع بلوک‌های مسکونی محله به لحاظ ویلایی و یا آپارتمانی می‌باشد. همان‌طور که در چکیده مقاله تصریح شد، در انتخاب محلات و نمونه‌ها سعی شده است متغیرهای مستقل دیگر که بر روی متغیر وابسته یعنی تعاملات چهره به چهره تاثیر دارند کنترل گردد که از جمله‌ی آن می‌توان به شرایط مالی افراد و مدت سکونت آن‌ها اشاره کرد. لذا سعی شده است پرسش‌نامه‌ها در محلات و مجتمع‌هایی توزیع گردد که به لحاظ این نوع شرایط (نظیر شرایط مالی و فرهنگی و مدت سکونت در محله و غیره) کمابیش مشابه یکدیگر باشند تا بتوان با اطمینان بیش‌تری به سنجش رابطه میان نوع الگوی بافت مسکونی و تعاملات چهره به چهره پرداخت.

#### ۴. بحث و تحلیل

در این بخش به معرفی محله‌های مورد مطالعه‌ی این پژوهش و تحلیل داده‌های حاصل از نظرات ساکنین این محله‌ها پرداخته شده است.

#### ۴-۱- معرفی نمونه‌ها

در این پژوهش چهار نمونه از محلات یا مجتمع‌های مسکونی در شهر قم انتخاب شده است که دو مورد از آن، محلات با الگوی مسکن ویلایی می‌باشد و دو مورد دیگر نیز مجتمع‌های با مقیاس محلی با الگوی مسکن آپارتمانی است. سعی شده است نمونه‌ها طوری انتخاب شوند که متغیرهای مستقل ثانویه، مانند وضعیت اقتصادی، قومیت، مرتبه اجتماعی و غیره کم‌ترین تاثیر را بر متغیر وابسته یعنی تعاملات و روابط همسایگی بگذارند، به عبارتی در نمونه‌ها و محله‌های مورد مطالعه، متغیرهای مستقل ثانویه تاثیر یکسانی را روی متغیر وابسته داشته باشند. بنابراین محلاتی که انتخاب شده‌اند اولاً از لحاظ قدمت (چه نوع ویلایی و چه نوع آپارتمانی) از قدیمی‌ترین نوع

شده است و نوعی سلسله‌مراتب را در محله مذکور به وجود آورده است (شکل ۲ و ۳).

در یک رابطه یا خصیصه بصری مشترک می‌باشد (دی. کی‌چینگ ۱۳۸۸، ۲۳۰). این مسئله سبب به وجود آمدن کوچه‌های باریک و پر پیچ و خم و نیز کوچه‌های بن‌بست

شکل ۳: سیمای کلی خیابان سمیه



دارای سلسله‌مراتب اندکی است و خیابان‌های شطرنجی آن نسبت به محله سمیه دارای عرض و تردد بیش‌تری می‌باشد؛ هم‌چنین بافت شطرنجی خیابان‌ها و راه‌داشتن مستقیم تمام خیابان‌ها به هم این امر را تشدید می‌کند. بر اساس طبقه‌بندی‌های مختلفی که از انواع مسکن ارائه شده است (پوردیهیمی ۱۳۹۱، ۵۰-۱۰۰؛ شوئنوتر ۱۳۸۰، ۵۵-۱۱۵)، خانه‌های دو نمونه بالا (سمیه و باجک) را بایستی در ردیف الگوی خانه‌هایی قرار داد که هر یک دارای حیاط خصوصی مختص به خود هستند.

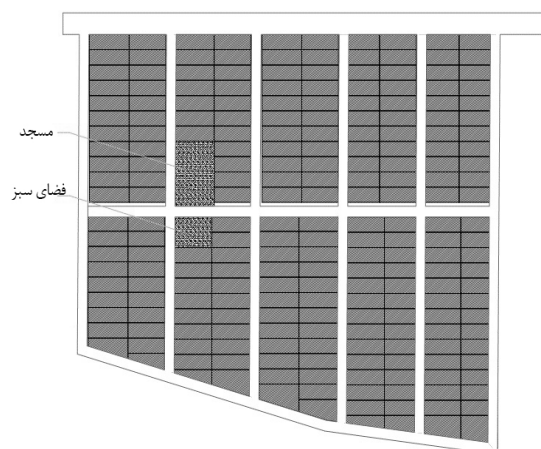
۴-۱-۲- محله باجک

محله باجک هم از محلات تقریباً قدیمی قم می‌باشد و ساکنان آن از مردم قدیمی شهر هستند که مثل نمونه قبل، اغلب قشر مذهبی هستند. تقریباً تمام منازل این محله نیز ویلایی است. منطقه انتخاب‌شده دارای یک مسجد و مقابل آن یک فضای سبز است و در کنار مسجد، چند واحد تجاری مثل خشک‌شویی، سوپر مارکت و غیره هم وجود دارد که می‌توان آن را به عنوان مرکز محله در نظر گرفت. سازماندهی این محله به صورت شبکه‌ای (شطرنجی) می‌باشد (شکل‌های ۴ و ۵). البته این محله

شکل ۵: سیمای کلی خیابان باجک



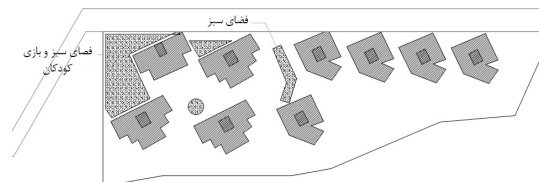
شکل ۴: محله خیابان باجک و نقاط مهم آن



#### ۴-۱-۳- مجتمع فرهنگیان

این مجتمع از مجتمع‌های مسکونی قدیمی قم می‌باشد که ساخت آن به ۱۵ الی ۲۰ سال قبل برمی‌گردد و در خیابان صفاشهر برای معلمین و فرهنگیان ساخته شده است و هنوز هم اغلب ساکنین آن را همین قشر از مردم تشکیل می‌دهند. این مجتمع دارای نه بلوک چهار طبقه می‌باشد که هر طبقه بین سه الی چهار واحد می‌باشد و می‌توان گفت که از نمونه‌های با تراکم تقریباً بالا می‌باشد و می‌توان آن را کاملاً در مقیاس یک محله ارزیابی نمود.

شکل ۶: محله فرهنگیان ۱ و نقاط مهم آن



لابی این بلوک‌ها عموماً وسیع و با نورگیری مستقیم است و سیستم سازماندهی بلوک‌ها هم به صورت خطی و موازی خیابان ۱۵متری می‌باشد که در دو ردیف قرار گرفته است. فضاهایی که در لابه‌لای بلوک‌ها وجود دارد به فضای سبز اختصاص یافته و یک فضای سبز بزرگ‌تر در انتهای سایت که مجهز به تجهیزات بازی کودکان می‌باشد نیز وجود دارد. ولی با توجه به نوع سازماندهی بلوک‌ها نمی‌توان گفت که دارای یک مرکز محله قوی می‌باشد (شکل‌های ۶ و ۷).

شکل ۷: سیمای کلی محله فرهنگیان ۱



#### ۴-۱-۴- مجتمع فرهنگیان ۲

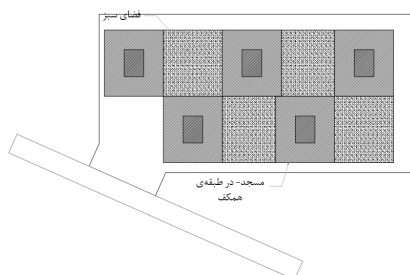
این مجتمع در بلوار شهید صدوقی و خیابان نسترن واقع شده است و همانند مورد قبل، از مجتمع‌های قدیمی شهر قم می‌باشد که تقریباً قدمت آن به بیست سال قبل بازمی‌گردد و ساکنان آن، اغلب مدت زمان زیادی را در آن جا ساکن بوده‌اند.

این مجتمع مسکونی دارای پنج بلوک مسکونی شش طبقه می‌باشد که به صورت شبکه‌ای سازمان‌دهی شده است؛ به طوری که به صورت شطرنجی و یکی در میان، بلوک‌های مسکونی و فضاهای سبز قرار گرفته‌اند و لذا در کنار هر بلوک، فضای سبزی وجود دارد که مطابق شکل ۸، در میان سه بلوک دیگر محصور است و از طرف چهارم هم به خیابان سواره‌رو مجتمع راه دارد.

هم‌چنین قسمتی از پیلوت یکی از بلوک‌ها به نمازخانه و سالن اجتماعات اختصاص پیدا کرده است. زمین مجتمع هم به صورت مورب و با زاویه نسبت به خیابان اصلی (نسترن) قرار گرفته است. این نوع مجتمع‌های مسکونی را می‌توان آپارتمان با ارتفاع متوسط نامید که دارای ارتفاعی به طور متوسط چهار تا هشت طبقه می‌باشد که با هدف اقتصادی‌تر شدن مسکن پدید آمد و بعدها به مسکن

شهری تبدیل شد و در قرن بیستم در اکثر کشورهای اروپایی ساخته شد (پوردیپمی ۱۳۹۱، ۱۰۸). شوئنوتر این گونه آپارتمان‌ها را آپارتمان با دسترسی مرکزی می‌نامد که برای اولین بار در سال ۱۹۲۷ در برلین طراحی شد. این ساختمان چهار طبقه داشت و در هر طبقه چهار واحد دوخوابه قرار داشت. به عقیده شوئنوتر از مزایای این مجتمع‌ها در مقابل منازل تک‌واحدی استفاده بهینه از زمین است و هم‌چنین در مقابل برج‌های مسکونی، سازه و اجرای ساده‌تر و کم هزینه‌تری دارد (شوئنوتر ۱۳۸۰، ۱۱۱).

شکل ۸: مجتمع فرهنگیان ۲ و نقاط مهم آن



شکل ۹: سیمای کلی محله فرهنگیان ۲



جدول ۱: مشخصات کالبدی نمونه‌های مورد مطالعه

ردیف	نام محله	نوع مسکن	سازماندهی فضایی	مرکز محله
۱	محله باجک	ویلايي	شبکه‌ای	مسجد- پارک
۲	محله سمیه	ویلايي	خوشه‌ای	مسجد
۳	مجتمع مسکونی فرهنگیان	آپارتمانی	خطی	فضای سبز
۴	مجتمع مسکونی فرهنگیان ۲	آپارتمانی	شبکه‌ای	فضای سبز

#### ۴-۲- تحلیل داده‌ها

برای جمع‌آوری اطلاعات حدود ۳۰۰ پرسش‌نامه بین چهار محله و مجتمع ذکرشده در جدول ۱ توزیع شد که از این تعداد، ۲۴۶ پرسش‌نامه قابل تحلیل بوده است. این تعداد پرسش‌نامه، تأمین‌کننده تعداد پرسش‌نامه لازم برای تعمیم‌پذیری نتایج به کل جامعه آماری می‌باشد. توضیح آن که بر اساس مطالعه انجام‌شده، در چهار نمونه مورد مطالعه جمعاً ۵۸۱ واحد مسکونی وجود دارد که طبق جدول مورگان، برای تعمیم‌پذیری نتایج بایستی پرسش‌نامه‌ها حداقل میان ۲۳۱ واحد مسکونی توزیع می‌شد؛ لذا با توجه به تعداد ۲۴۶ پرسش‌نامه‌ای که مبنای تحلیل یافته‌های پژوهش قرار گرفته است، تعداد پرسش‌نامه‌ها ۱۵ عدد بیش‌تر از تعداد لازم برای تأمین اعتبار نتایج بوده است. لازم به ذکر است که در خصوص محلات ویلايي، محدوده مورد مطالعه، به منطقه میان دو خیابان فرعی محله محدود شده است؛ در غیر این صورت، کل محله بسیار بزرگ‌تر و تعداد واحدها بسیار بیش‌تر از مجتمع‌های آپارتمانی می‌بود. پرسش‌نامه‌ها به صورت سوالات پنج‌گزینه‌ای و مطابق با طیف لیکرت، از عدد ۱ الی ۵ ارزش‌گذاری شدند و هر چه پاسخ به عدد پنج نزدیک‌تر باشد یعنی به روابط همسایگی مطلوب نزدیک‌تر است. نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها به وسیله نرم‌افزار "SPSS" تجزیه و تحلیل شدند. با توجه به جدول ۲، ضریب آلفای کرونباخ ۰.۶۵ می‌باشد که با توجه به این

ضریب می‌توان گفت که پرسش‌نامه‌ها از اعتماد و پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشند. البته برای این موضوع، در منابع مختلف طیف متفاوتی از ضریب‌های مختلف بیان شده است و عدد متفق‌القولی وجود ندارد لیکن با توجه به طیف متفاوتی که برای مهم بیان شده است ضریب به دست آمده در این پژوهش (ضریب ۰.۶۵) از منظر برخی منابع قابل استناد است.

#### جدول ۲: ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش

آمار دارای پایایی و اعتبار	تعداد پرسش‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
	۱۰	۰.۶۵

برای رد و یا اثبات فرضیه‌ی تحقیق (مبنی بر رابطه میان الگوی مسکن در بافت‌های مسکونی محلات و تعاملات چهره به چهره در محلات) می‌توان به جدول آزمون فرضیه‌ی میانگین‌ها اشاره کرد. این جدول نشان می‌دهد که آیا تفاوت معناداری بین متغیرهای تعریف‌شده در پژوهش وجود دارد یا خیر. قسمت مهم جدول که می‌توان به آن اشاره کرد سطح معنی‌داری یا "Significance" می‌باشد که به اختصار با نماد "Sig" نمایش داده می‌شود. سطح معنی‌داری، میزان یا معیاری است که به عنوان پایه‌ی معنی‌داری شناخته می‌شود که با خطای

است و رابطه یا تفاوت متغیرها معنی‌دار نیست. بنابراین و با توجه به سطح معنی‌داری پژوهش در جدول زیر که ۰.۰۰۸ می‌باشد می‌توان چنین استنتاج کرد که یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها در محلات مختلف دارای تفاوت معنی‌داری است و ساکنین در محلات مختلف جواب‌های متفاوت به سوالات مطرح شده داده‌اند.

نوع اول مقایسه می‌شود. این میزان عموماً در تحقیقات علوم انسانی ۰.۰۵ و در علوم پزشکی ۰.۰۱ در نظر گرفته می‌شود. اگر نتایج بررسی تفاوت یا رابطه متغیرها کم‌تر از ۰.۰۵۰ باشد، احتمال اتفاقی بودن این تفاوت یا رابطه خیلی کم است و می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت یا رابطه مورد نظر معنی‌دار می‌باشد؛ اما در صورتی که بیش‌تر از ۰.۰۵ باشد، احتمال تصادفی بودن نتیجه زیاد

جدول ۳: جدول آزمون فرض میانگین‌ها

تحلیل واریانس					
سطح معناداری	F آزمون	میانگین داده‌ها	درجه‌ی آزادی	جمع داده‌ها	
۰.۰۰۸	۴.۰۶۹	۱.۰۸۴	۳	۳.۲۵۲	تحلیل واریانس بین محلات
		۲۶۶.	۲۴۲	۶۴.۴۷۶	تحلیل واریانس درون محلات
			۲۴۵	۶۷.۷۲۸	مجموع

وجود دارد با ستاره مشخص شده است. در ستون پنجم نیز ضریب معنی‌داری بین محلات به صورت دو به دو مقایسه شده است و در هر جفت محله‌ای که این عدد کم‌تر از ۰.۰۵ باشد می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری بین آن‌ها در پاسخگویی به سوالات وجود دارد.

در جدول زیر نیز به ضریب تفاوت معنادار بین بلوک‌ها و محلات مختلف مورد پژوهش اشاره شده است که ستون سوم از جدول، تفاوت بین میانگین پاسخ‌های هر محله را به صورت دو به دو با هم مقایسه می‌کند و محلاتی که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین میانگین پاسخ‌نامه‌ها در آن‌ها

جدول ۴: جدول ضریب تفاوت معنی‌دار تعاملات چهره به چهره در محلات مختلف

مقایسه‌های چندگانه						
تعامل چهره به چهره : متغیر وابسته						
LSD						
۹۵٪ بازه اطمینان		تفاوت معنا دار	خطای استاندارد	تفاضل میانگین ستون I, J	محله (J)	محله (I)
کران بالا	کران پایین					
۰.۱۸۰۶	-۰.۱۸۹۵	۰.۹۶۲	۰.۰۹۳۹۴	-۰.۰۰۴۴۹	خیابان باجک	
۰.۳۸۰۶	۰.۰۱۰۵	۰.۰۳۸	۰.۰۹۳۹۴	*۰.۱۹۵۵۱	فرهنگیان ۱	خیابان سمیه
۰.۴۶۳۲	۰.۰۶۰۵	۰.۰۱۱	۰.۱۰۲۲۴	*۰.۲۶۱۸۵	فرهنگیان ۲	فرهنگیان ۲
۰.۱۸۹۵	-۰.۱۸۰۶	۰.۹۶۲	۰.۰۹۳۹۴	۰.۰۰۴۴۹	خیابان سمیه	خیابان باجک
۰.۳۶۹۵	۰.۰۳۰۵	۰.۰۲۱	۰.۰۸۶۰۳	*۰.۲۰۰۰۰	فرهنگیان ۱	خیابان باجک
۰.۴۵۳۵	۰.۰۷۹۲	۰.۰۰۵	۰.۰۹۵۰۲	*۰.۲۶۶۳۳	فرهنگیان ۲	خیابان باجک
-۰.۰۱۰۵	-۰.۳۸۰۶	۰.۰۳۸	۰.۰۹۳۹۴	*-۰.۱۹۵۵۱	خیابان سمیه	خیابان باجک
-۰.۰۳۰۵	-۰.۳۶۹۵	۰.۰۲۱	۰.۰۸۶۰۳	*-۰.۲۰۰۰۰	خیابان باجک	فرهنگیان ۱
۰.۲۵۳۵	-۰.۱۲۰۸	۰.۴۸۶	۰.۰۹۵۰۲	۰.۰۶۶۳۳	فرهنگیان ۲	فرهنگیان ۲
-۰.۰۶۰۵	-۰.۴۶۳۲	۰.۰۱۱	۰.۱۰۲۲۴	*-۰.۲۶۱۸۵	خیابان سمیه	خیابان باجک
-۰.۰۷۹۲	-۰.۴۵۳۵	۰.۰۰۵	۰.۰۹۵۰۲	*-۰.۲۶۶۳۳	خیابان باجک	فرهنگیان ۲
۰.۱۲۰۸	-۰.۲۵۳۵	۰.۴۸۶	۰.۰۹۵۰۲	-۰.۰۶۶۳۳	فرهنگیان ۱	فرهنگیان ۱

\* اختلاف میانگین در سطح ۰.۰۰۵ معنادار است.



از تحلیل داده‌ها از روش همبستگی، عددی تحت عنوان ضریب همبستگی به دست می‌آید که مقدار آن بین +۱ و -۱ است. ضریب همبستگی صفر به معنی عدم رابطه بین دو متغیر، +۱ رابطه کاملاً مستقیم بین دو متغیر و -۱ رابطه کاملاً معکوس بین دو متغیر را نشان می‌دهد. بنابراین با توجه به عدد یک می‌توان گفت که همبستگی بین الگوی مسکن در محلات مختلف و تعاملات چهره به چهره وجود دارد؛ هم‌چنین کم‌تر بودن ضریب معنی‌داری (Sig) از ۰.۰۵ نشان می‌دهد که یک رابطه‌ی معنادار بین این دو متغیر وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ۴ مشخص است محلات سمیه و باجک با محلات فرهنگیان ۱ و فرهنگیان ۲ تفاوت معنی‌داری با هم دارند به عبارتی در پاسخ‌گویی به سوالات پرسش‌نامه در مقایسه بین محلات ویلایی‌نشین و آپارتمان‌نشین تفاوت معناداری وجود دارد ولی این تفاوت در پاسخ‌گویی بین محلات آپارتمان‌نشین با هم و نیز ویلایی‌نشین با هم دیده نمی‌شود و جواب‌های مردم در محلات ویلایی‌نشین و همین‌طور آپارتمان‌نشین تقریباً به هم شبیه بوده است.

برای اثبات فرضیه‌ی پژوهش می‌توان به آزمون همبستگی پیرسون که در جدول ۵ آمده است نیز اشاره کرد. بعد

جدول ۵: جدول مربوط به آزمون ضریب پیرسون

همبستگی‌ها	
محل	تعامل چهره به چهره
همبستگی پیرسون	۰.۲۱۵**
محل	۰.۰۰۱
Sig. (2-tailed)	۲۴۶
N	۲۴۶
همبستگی پیرسون	۰.۲۱۵**
تعامل چهره به چهره	۰.۰۰۱
Sig. (2-tailed)	۲۴۶
N	۲۴۶

\*\* همبستگی در سطح ۰.۰۰۱ معنادار است.

در مقایسه با بافت‌های ویلایی به لحاظ تعاملات چهره به چهره نشده است.

بنابراین می‌توان گفت با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها، تعاملات چهره به چهره در محلات ویلایی‌نشین از آپارتمان‌نشین بیش‌تر است و ویلایی بودن محلات سبب می‌شود که همسایگان تعاملات چهره به چهره‌ی بهتری داشته باشند و همدیگر را بیش‌تر بشناسند. البته به نظر می‌رسد که تراکم ناخالص مسکونی بیش‌تر در بافت‌های آپارتمانی در مقایسه با محلات ویلایی و یا وجود حریم‌های نیمه‌خصوصی و خصوصی بیش‌تر در محلات ویلایی نسبت به بافت‌های آپارتمانی، از دلایل بیش‌تر بودن تعامل چهره به چهره در محلات ویلایی مورد مطالعه در این پژوهش بوده است که این موضوع می‌تواند به عنوان گام بعدی این تحقیق، در پژوهش‌های آتی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

## ۵. نتیجه‌گیری

با توجه به آنالیز و تحلیل داده‌ها در مورد متغیر وابسته پژوهش یعنی تعامل چهره به چهره همسایگان می‌توان گفت در در محلات ویلایی نسبت به آپارتمانی، بین این دو متغیر تفاوت معناداری وجود دارد و از نظر آماری پاسخ محلات ویلایی‌نشین با پاسخ محلات آپارتمان‌نشین متفاوت است به نحوی که در محلات ویلایی‌نشین، ساکنین محله با همسایگان خود روابط چهره به چهره بیش‌تری دارند. لازم است مجدداً تأکید گردد که سعی شده است در این پژوهش متغیرهای ثانویه (نظیر قدمت محله و وضعیت یا همگنی اجتماعی و اقتصادی و غیره) که می‌تواند بر تعاملات چهره به چهره تأثیر گذارد کنترل گردد و لذا چنین استنتاج می‌شود که چرایی این مهم که در محلات ویلایی، تعاملات همسایگی بیش‌تری در مقایسه با محلات آپارتمان‌نشین وجود دارد، متأثر از نوع ساختار کالبدی بافت مسکونی است. حتی با وجود آن که در محلات آپارتمان‌نشین مورد مطالعه در این پژوهش، امکاناتی وجود دارد که به برقراری تعاملات اجتماعی کمک می‌کند (مثل محل بازی بچه‌ها، فضای سبز، مرکز خرید در نزدیکی مجتمع یا مخصوص به مجتمع و غیره) اما این امکانات منتج به مزیت نسبی بافت‌های آپارتمانی

## فهرست منابع

- ابراهیمی مجرد، مانا، و فرهنگ مظفر. ۱۴۰۱. شناسایی ابعاد شکلگیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی مبتنی بر دیدگاه متخصصان با کاربری تحلیل عامل Q. *دوفصلنامه اندیشه معماری* ۱۱(۶): ۱-۱۶. [https://at.journals.ikiu.ac.ir/?\\_action=article&au=28159&\\_au=%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85%DB%8C%20%D9%85%D8%AC%D8%B1%D8%AF%D8%8C%20%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%A7](https://at.journals.ikiu.ac.ir/?_action=article&au=28159&_au=%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85%DB%8C%20%D9%85%D8%AC%D8%B1%D8%AF%D8%8C%20%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%A7)
- ابن شعبه، حسن ابن علی. ۱۳۹۵. *تحف العقول*. قم: انتشارات دارالحدیث.
- انصاری قمی، مهدی. ۱۳۹۳. *نهج الفصاحه (سخن پیامبر اعظم به روایت معصومین)*. قم: انتشارات نوید ظهور.
- اوستروفسکی، واتسلاف. ۱۳۹۵. *شهرسازی معاصر از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن*. ترجمه لادن اعتضادی. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- پوردیبهیمی، شهرام. ۱۳۹۱. شهر، مسکن و مجموعه‌ها. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- پوردیبهیمی، شهرام، و رضا سرعلی. ۱۳۹۵. همسایگی و همسایه بودن. نشریه صفحه ۲۶(۱): ۵-۲۴. [https://soffeh.sbu.ac.ir/article\\_100307\\_3f789008bf74dc51c61eef3f909e5b15.pdf](https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100307_3f789008bf74dc51c61eef3f909e5b15.pdf)
- ثقه الاسلامی، عمید الاسلام، و بهناز امین زاده. ۱۳۹۲. بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی. *مجله هویت شهر* ۱۳(۱): ۳۳-۴۵. <https://www.sid.ir/paper/154639/fa#downloadbottom>
- حمزه نژاد، مهدی، و فاطمه صمیمی فر. ۱۳۹۲. اعتبار سنجی اصول نوین پایداری اجتماعی با تکیه بر اخلاق اسلامی. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی* ۱(۱): ۱۲۱-۱۳۹. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-140-fa.html>
- دی کی چینگ، فرانسیس. ۱۳۸۸. *معماری، فرم فضا نظم*. ترجمه زهرا قراگوزلو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوالفقار زاده، حسن، رضا جعفری‌ها، و علی زنده دل. ۱۳۹۸. الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی-ایرانی بر مبنای مدل نگره‌های زندگی ساز حکمت اسلام. *دو فصلنامه اندیشه معماری* ۵(۳): ۳۳-۵۹. [https://at.journals.ikiu.ac.ir/?\\_action=article&au=887&\\_au=%D8%B0%D9%88%D8%A7%D9%84%D9%81%D9%82%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%A7%D8%AF%D9%87%D8%8C%20%D8%AD%D8%B3%D9%86](https://at.journals.ikiu.ac.ir/?_action=article&au=887&_au=%D8%B0%D9%88%D8%A7%D9%84%D9%81%D9%82%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%A7%D8%AF%D9%87%D8%8C%20%D8%AD%D8%B3%D9%86)
- رئییسی، محمدمنان، و فاطمه محمدعلی نژاد. ۱۴۰۰. تبیین مقیاس و مدل کلی محله متشکل از واحدهای همسایگی از منظر اسلامی. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی* ۳(۳): ۱۲۱-۱۰۹. <http://www.iust.ac.ir/jria/article-1-1413-fa.html>
- شهیدی، سید جعفر. ۱۳۹۲. *ترجمه‌ی نهج البلاغه*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شوئوتر، نوربرت. ۱۳۸۰. مسکن حومه و شهر. ترجمه شهرام پور دیهمی. تهران: انتشارات روزنه.
- صرافی، مظفر، و فاطمه فناد. ۱۳۹۹. تحلیل توسعه‌ی پایدار اجتماع محلی با تاکید بر حکمروایی شایسته شهری نمونه مطالعاتی محله آخوند شهر قزوین. *نشریه صفحه ۳۰(۱)*: ۷۷-۹۲. [https://soffeh.sbu.ac.ir/?\\_action=article&au=839199&\\_au=%D9%82%D9%86%D8%A7%D8%AF%D8%8C%20%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87](https://soffeh.sbu.ac.ir/?_action=article&au=839199&_au=%D9%82%D9%86%D8%A7%D8%AF%D8%8C%20%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87)
- عینی فر، علیرضا و آزاده آقا لطیفی. ۱۳۹۰. مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی. *نشریه هنرهای زیبا* ۴۷(۱۷-۲۸). [https://jfaup.ut.ac.ir/article\\_28927\\_0352407f5e382c1f32e5476ca3498481.pdf](https://jfaup.ut.ac.ir/article_28927_0352407f5e382c1f32e5476ca3498481.pdf)
- گروت، لیندا، و دیوید وانگ. ۱۳۹۲. *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلی زواره، غلامرضا. ۱۳۸۹. *همسایه ما سایه ماست مناسبات اخلاقی و رفتاری همسایگان در قرآن و سنت*. قم: انتشارات صحیفه خرد.
- لاوسون، برایان. ۱۳۹۴. *زبان فضا*. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لنگ، جان. ۱۳۸۱. *آفرینش نظریه‌های معماری*. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدمردادی، آرش، سید عباس یزدانفر، محسن فیضی، و سعید نوروزیان ملکی. ۱۳۹۸. سنجش حس مکان و شناسایی مولفه‌های موثر بر آن در بافت تاریخی تهران (مورد پژوهشی: محله تاریخی امامزاده یحیی). *مجله مطالعات معماری ایران* ۱۵(۱۵): ۱۷۳-۱۹۲. [https://jias.kashanu.ac.ir/article\\_111823.html](https://jias.kashanu.ac.ir/article_111823.html)
- موقر، حمیدرضا، احسان رنجبر، و محمدرضا پورجعفر. ۱۳۹۴. بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران (نمونه مطالعاتی: محله‌های شهر نایین). *مجله مطالعات معماری ایران* ۴(۴): ۳۵-۵۶. [https://jias.kashanu.ac.ir/article\\_111749.html](https://jias.kashanu.ac.ir/article_111749.html)
- Dicle, Aidin, and Süheyla Büyükşahin Sıramkaya. 2014. "Neighborhood" Concept and The Analysis of Differentiating Sociological Structure with The Change of Dwelling Typology. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* (140): 260-269. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042814033448>
- Bernardo, Fatima, and José-Manuel Palma Oliveira. 2016. Urban neighborhoods and intergroup relations: The importance of place identity. *Journal of Environmental Psychology* (45): 239-251. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S027249441630010X>
- Ferguson, Bruce K., and Derek E. Ferguson. 2016. Architectural and personal influenced on neighboring behaviors. *Frontiers of Architectural research* 5(2): 194-201. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2095263516300036>
- Farkisch, hero. 2020. Assessment of Social Interaction in Sense of Place: Rethinking the Design of Neighborhood Center in Urban space, Case study: Boshrooyeh City. *Creative City Design* (3)1: 110-121. [https://ccrd.mashhad.iau.ir/article\\_680205.html](https://ccrd.mashhad.iau.ir/article_680205.html)
- Mendes, Maria Manuela, and João cabral. 2017. *Architecture and the Social Sciences (Inter- and Multidisciplinary*

*Approaches between Society and Space*). Berlin : Springer International Publishing.

- Williams, Joanna. 2005. Designing Neighborhoods for Social Interaction (The Case of Cohousing). *Journal of Urban Design* (10)2: 195-227. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13574800500086998>

#### نحوه ارجاع به این مقاله

خلیفه شوشتری، احمد، و محمدمنان رئیسی. ۱۴۰۱. تحلیل رابطه ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی و تعاملات همسایگی، مورد مطالعاتی: رابطه الگوی مسکن و تعاملات چهره به چهره در محلات سمیه، باجک و فرهنگیان در شهر قم. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۵ (۴۰): ۱۱۷-۱۲۷.

DOI: 10.22034/AAUD.2022.346932.2680

URL: [http://www.armanshahrjournal.com/article\\_163867.html](http://www.armanshahrjournal.com/article_163867.html)



#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



